



سیاست پنهان زبان در مقابل سیاست آشکار آن

(نگاهی تطبیقی به نگرش‌های زبانی کاربران و متولیان زبان فارسی)

نگار داوری اردکانی (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

۱ مقدمه

این گفتار گزارش پژوهشی است دربارهٔ نقش و جایگاه سیاست پنهان زبان در برنامه‌ریزی و چگونگی تعامل آن با سیاست آشکار زبان. در چنین بحثی تلویحاً به اهمیت جایگاه مخاطبان و متولیان برنامه‌ریزی زبان، که همانا منابع انسانی آن‌اند، توجه می‌شود. پری (Perry 1985, p.300)، در مقایسهٔ برنامه‌ریزی زبان‌های فارسی و ترکی در عهد رضاشاه و آتاتورک، یکی از علل رسیدن آتاتورک به اهداف اصلاح زبان ترکی - فارغ از تأیید یا انکار ایدئولوژیک برنامهٔ او - توجه به نگرش‌های مردمی و، در مقابل، علت ناکامی برنامه‌های زبانی رضا شاه را بی‌توجهی به این نگرش‌ها می‌داند.

در این مقاله برآنیم که ابتدا، با مرور نظری مفاهیم برنامه‌ریزی زبان و سیاست‌های زبانی، مفهوم روشن و نسبتاً دقیقی از آنها به دست دهیم و روابط آنها را بیان کنیم؛ سپس، با استناد به این مبانی، نگرش‌های زبانی تحصیل‌کردگان ایرانی را، که با سنجش نگرش‌های زبانی گروه‌های دانش‌آموز، دانشجو، دانشگاهی، و فرهنگستانی ساکن شهر تهران بررسی شده است، نشان دهیم. هدف این نگرش‌سنجی مقایسهٔ نگرش‌های زبانی سه گروه اول در قالب سیاست پنهان زبان با نگرش‌گروه آخر در قالب سیاست آشکار زبان

است. از میان مؤلفه‌های برنامه‌ریزی زبان، به مؤلفه ایدئولوژیک آن توجه ویژه‌ای داشته‌ایم چون به نظر می‌رسد که مسئله هویت اساسی‌ترین عامل و انگیزه در شکل‌دهی انواع برنامه‌ریزی زبان باشد. (AGER 2001, p.105)

۲ مبانی نظری

تعریف برنامه‌ریزی زبان در اینجا همان تعریف کوپر است:

برنامه‌ریزی زبان هرگونه تلاش عمدی برای تحت تأثیر قرار دادن رفتار زبانی افراد و گروه‌های یک جامعه است. این تأثیرگذاری ممکن است در هر یک از ابعاد سه‌گانه پیکره و شأن و زبان‌آموزی باشد. (COOPER 1989, p. 45)

محاسن این تعریف به شرح زیر است:

– برنامه‌ریزی زبان را در انحصار برخی سازمان‌های صاحب نفوذ یا دولتی نمی‌داند و، در نتیجه، برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان و رسمی و غیررسمی را یکسان در بر می‌گیرد.
– به برنامه‌ریزی آرمانی منحصرأ با مقاصدی از نوع اخلاقی، ملی، علمی اشاره ندارد بلکه برنامه‌ریزی با هر نوع هدف را شامل می‌شود. مثلاً برنامه‌ریزی زبان را فقط ناظر به حل مسائل زبانی معرفتی نمی‌کند بلکه هر نوع تأثیرگذاری را مصداق آن می‌خواند.
– تأثیرگذاری را به تغییر محدود نمی‌سازد بلکه آن را شامل حفظ زبان نیز می‌داند.
به بیان ساده‌تر، در برنامه‌ریزی زبان، فعالیت‌های اثرگذار بر ماده زبان (ساختواره و واژگان، نحو و دستور زبان، دستور خط، و نظایر آنها)، شأن زبان (نقش‌های کارکردی، جایگاه نمادین آن و امثال آنها)، و شیوه‌های آموزش و یادگیری آن را می‌گنجاند.

شیفمن (Schiffman 1996, p.163) سیاست زبان و برنامه‌ریزی زبان را دو مقوله متفاوت اما مربوط به هم می‌داند. به زعم او، سیاست زبان مجموعه سازوکارها و نگرش‌های آشکار و پنهان، رسمی و غیررسمی جاری در آن است؛ در حالی که برنامه‌ریزی زبان بر فعالیت‌های عمدی و آشکار و عینی در مورد زبان اطلاق می‌شود. شیفمن اساس سیاست‌های زبانی هر جامعه را فرهنگ زبانی آن جامعه می‌داند. به نظر او، فرهنگ زبانی مجموعه رفتارها، فرضیات، صور فرهنگی، تعصبات، اعتقادات عوامانه، نگرش‌ها، الگوهای قالبی، و شیوه‌های تفکر درباره زبان و شرایط دینی-تاریخی آن است. بدین سان، باورهای جامعه زبانی درباره زبانشان بخشی از شرایط فرهنگی شمرده می‌شوند که رشد و افول آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به همین دلیل، انتخاب

سیاست زبانی خاصی در هر جامعه زبانی به مقتضای شرایط تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، دینی آن تصادفی نیست. به قول شیفمن، چه بسا تصور شود که یگانه مسئول و بانی و باعث سیاست زبانی در کشورهایی که حکومت‌های استبدادی دارند حاکمان خودکامه‌اند که درست نیست. در حقیقت، ظهور و بقای خودکامگان و حکومت‌های استبدادی به نوعی محصول فرهنگ اقوام است. البته هرگاه، در چنین حالت یا حالات مشابه دیگر، بین سیاست رسمی یا آشکار و سیاست غیررسمی یا پنهان زبان اختلافی وجود داشته باشد، ممکن است شرایط دیر یا زود تغییر یابد. به همین دلیل این حالت را حالت گذار خوانده‌اند (Oakes 2001, p.59). شیفمن مطالعه درباره علل، کیفیت و کمیت این اختلافات را ضروری می‌داند. او سیاست پنهان زبان را بُعدی قلمداد می‌کند که از آن غفلت شده است. همچنین وی به احتمال وجود تفاوت بین سیاست‌های زبانی در مقیاس خرد و کلان اشاره می‌کند و این جمله را عواملی مؤثر در ناکامی برنامه‌ریزی‌های زبان می‌داند. (Schiffman 1996, p.75)

ما، در پژوهش خود، سیاست زبان را نرم‌افزار برنامه‌ریزی زبان تلقی می‌کنیم. به بیان دیگر، برنامه‌ریزی زبان و سیاست زبان نسبت کل به جزء را دارند یعنی برنامه‌ریزی زبان سیاست زبان و طرح اجرای آن را نیز شامل می‌شود.

در این گزارش برآنیم که، با استفاده از نظریه نگرش‌های زبانی، به مقایسه سیاست‌های زبانی پنهان و آشکار حاکم بر زبان فارسی پردازیم و، به همین دلیل، نخست توضیح مختصری درباره این نظریه می‌دهیم. نظریه نگرش‌های زبانی ریشه در نظریه نگرش‌های کلی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی دارد. نگرش تمایل مثبت یا منفی نسبت به یک شیء، فرد، نهاد یا رویداد تعریف شده است (Ibid, p.65). هر نگرش دارای سه مؤلفه است: احساس، شناخت، و رفتار. از برآیند این سه مؤلفه نگرش حاصل می‌شود. بر این اساس، نگرش زبانی بر هر شاخص احساسی^۱، شناختی^۲ یا عملی (رفتاری)^۳ در واکنش نسبت به ابعاد زبان اطلاق می‌شود. معمولاً بین سه مؤلفه مذکور نوعی ناهماهنگی وجود دارد و همین امر سنجش نگرش‌های زبانی را بس دشوار می‌سازد. (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ← افخمی و داوری ۱۳۸۴ الف)

در اینجا لازم است که، در رابطه با مفهوم نگرش زبانی، درباره ایدئولوژی زبانی و

1) affective

2) cognitive

3) conative/ behavioral

هوشیاری زبانی توضیح مختصری بیاوریم. در واقع، نگرش زبانی هر فرد یا گروه یا جامعه تعیین‌کننده ایدئولوژی زبانی است. به بیان دیگر، مؤلفه احساس در نگرش زبانی شاکله ایدئولوژی زبانی است. بدین سان، ایدئولوژی زبانی، چنان‌که از نام آن نیز برمی‌آید، بیشتر به ارزش‌ها و اعتقادات و مبانی فکری مربوط می‌شود. از دیگر سو، می‌توان عامل اولیه و اساسی شکل‌دهی به شأن هر زبان را مؤلفه‌های ایدئولوژیک آن دانست. فی‌المثل هرگاه زبان عامل پیوند تاریخی یا حافظ مبانی دینی یا وسیله بیان علمی تلقی گردد در این رویکردها ایدئولوژی زبانی مطرح است.

اما هوشیاری زبانی، هرچند به حوزه‌های احساس و آمادگی برای عمل نیز مربوط می‌شود، اساساً و بیشتر به حوزه آگاهی مربوط است. یعنی فرد زمانی از نظر هوشیاری زبانی در سطحی بالا تلقی می‌شود که آگاهی کافی از زبان خود داشته باشد. هوشیاری زبانی شامل آگاهی از وضعیت زبان هم می‌شود. لذا لزوماً چنین نیست که هرکس در یکی از سطوح زبان، مثلاً صرف یا نحو یا معناشناسی، متبحر باشد دارای هوشیاری زبانی بالا شمرده شود. محل تلاقی هوشیاری زبانی با مؤلفه‌های احساس و آمادگی برای عمل مهم است. توماس (THOMAS 1991, p.180) جامعه‌ای را دارای هوشیاری زبانی می‌داند که زبان دل‌مشغولی و دغدغه افراد آن باشد. بر این اساس، افرادی دارای هوشیاری زبانی بالا شمرده می‌شوند که زبان دل‌مشغولی و دغدغه فکری آنها باشد. در بخش «شرح پژوهش میدانی»، تعریف عملیاتی نگرش به زبان فارسی و برنامه‌ریزی آن و هوشیاری زبانی به دست داده خواهد شد.

۳ شرح پژوهش میدانی

پژوهش میدانی مشتمل بر نگرش‌سنجی در حوزه مسائل زبانی ناظر به گردآوری پاسخ به پرسش‌های زیر بوده است:

– نگرش‌های زبانی دانش‌آموزان، دانشجویان، دانشگاهیان و فرهنگستانیان چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌های کمی و کیفی دارند؟ این شباهت‌ها و تفاوت‌ها تا چه حد معنی دارند؟

۴) بخشی از استنباط آماری برآورد مقدار و اهمیت موضوع بررسی ضمن ارزیابی خطای نمونه‌گیری در کل جامعه آماری است. این ارزیابی با استفاده از آزمون‌های معنی‌دار انجام می‌گیرد. به زبان آماری، اگر نتایج

— با توجه به این نگرش‌ها، تا چه حد می‌توان سیاست پنهان و آشکار زبان را بر یکدیگر منطبق دانست؟

۳-۱ تعریف متغیرهای وابسته

نگرش به زبان فارسی و برنامه‌ریزی آن با توجه به نظریه نگرش‌های زبانی که شرح آن گذشت تعریف می‌شود. برای روشن شدن دقیق مفاهیم نگرش به زبان فارسی و برنامه‌ریزی آن، مؤلفه‌های هر یک را برمی‌شماریم.

آگاهی از زبان فارسی	نگرش به زبان فارسی
احساس نسبت به زبان فارسی	

آمادگی برای عمل در مورد زبان فارسی	نگرش به برنامه‌ریزی زبان فارسی
احساس نسبت به برنامه‌ریزی زبان فارسی	
آگاهی از برنامه‌ریزی زبان فارسی	

برای دستیابی به نگرش جامعه زبانی به زبان فارسی، ابتدا داده‌هایی درباره میزان آگاهی اعضای آن از زبان فارسی در سطوح پیکره و شأن و زبان‌آموزی همچنین احساس آنان نسبت به زبان فارسی در این سطوح به دست آوردیم و مجموع این دو مؤلفه را نگرش به زبان فارسی خواندیم. درباره نگرش به برنامه‌ریزی زبان فارسی نیز بر همین منوال عمل کردیم. فقط مؤلفه آمادگی برای عمل در مورد زبان فارسی را به دو مؤلفه دیگر افزودیم و جمع سه مؤلفه را نگرش به برنامه‌ریزی زبان فارسی خواندیم. دلیل گنجاندن مؤلفه اخیر آن بوده است که آن نوعی مشارکت در کار برنامه‌ریزی زبان است. در طرح پرسش‌نامه کوشش شد که همه این مؤلفه‌ها گنجانده شود، ضمن آنکه پرسش درباره هر مؤلفه در سطوح پیکره و شأن و زبان‌آموزی انجام گرفت. مثلاً، برای

→ که از نمونه‌ای به دست می‌آید نشان دهد که متغیر مورد مطالعه در جامعه اثر دارد، اصطلاحاً می‌گویند این نتایج از نظر آماری معنی‌دار است. نتیجه، وقتی معنی‌دار ارزیابی شود، مقصود آن است که احتمال ندارد با وجود خطای نمونه‌گیری حاصل شده باشد. (بولمن و دیگران، ص ۹ و ۱۱)

سنجش آگاهی پاسخ‌دهندگان از پیکره زبان فارسی، پرسش‌هایی درباره آگاهی آنها از واژه‌ها و واژه‌سازی در فارسی، تألیف و تدوین فرهنگ لغت، دستور و دست‌نویسی، ادبیات فارسی، خط و شیوه املا طرح شد.

بر این قرار، با تعیین مؤلفه‌های متعدّد نگرش‌ها، به عنوان مثال، داشتن احساس مثبت نسبت به شأن زبان فارسی منوط به شرایط زیر شد: شخص احساس کند که با تسلط کافی بر زبان فارسی شغل بهتری پیدا خواهد کرد؛ فارسی را ابزار ارتباطی مطلوب بداند؛ از اینکه فرزندش با زبان فارسی آشنا نباشد نگران گردد؛ برای کسی که فارسی می‌داند ارزش قایل باشد؛ فارسی را بخشی از میراث فرهنگی بشمارد.

در حوزه برنامه‌ریزی زبان نیز، زمانی شخص از برنامه‌ریزی زبان آگاه تلقی می‌شود که از اقدامات انجام‌گرفته برای حفظ و گسترش زبان فارسی مطلع باشد؛ دخالت آگاهانه در زبان را مجاز بداند؛ از کارهایی که برای بهبود زبان فارسی شده یا می‌شود خبر داشته باشد. در مورد احساس نسبت به برنامه‌ریزی زبان فارسی نیز مؤلفه‌های آن در برنامه‌ریزی پیکره و شأن و تخصیص نقش‌های تخصصی (زبان رسمی و زبان علم) منظور نظر قرار گرفته است. (فهرست کامل شاخص‌ها در پیوست درج شده است).

مجموعه داده‌های مربوط به نگرش به زبان فارسی و نگرش به برنامه‌ریزی فارسی تعیین‌کننده هوشیاری زبانی تلقی و، بر اساس آنها، سه درجه هوشیاری زبانی بالا و متوسط و پایین متمایز شد.

۳-۲ محدودیت‌های پژوهش

چنان که گفته شد، این پژوهش در میان تحصیل‌کردگان ساکن شهر تهران انجام گرفت چون متغیر مستقل اصلی مؤثر در متغیرهای وابسته درجات تحصیلی اختیار شده است. البته این امر قهراً محدودیتی را باعث شده از این نظر که عامه مردم را از عرصه پژوهش به کنار داشته است. اما این محدودیت به هیچ وجه به معنی بی‌اهمیت انگاشتن نگرش‌های زبانی عامه مردم نیست. سزاوار است که برای سنجش نگرش‌های زبانی این گروه نیز پژوهش‌هایی انجام گیرد.

محدودیت دیگر این پژوهش که در کل پژوهش‌های نگرش‌سنجی وجود دارد این

است که، در برخی موارد، با توجه به فقدان فعالیت‌های آگاهی‌بخش به افراد، تقریباً یقین داریم که برخی از اظهارنظرها بر اطلاعات ناکافی و بعضاً نادرست مبتنی است و داده‌هایی که از این طریق به دست می‌آید طبعاً بی‌اعتبار است. درست به همین دلیل است که نهادهای برنامه‌ریز زبان شایسته است آگاهی‌بخشی به کاربران زبان را در سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهند. با این حال، برخی از متخصصان حوزه نگرش‌سنجی بر آن‌اند که افراد، حتی اگر آراء واقعی خود را در نگرش‌سنجی منعکس نکنند، نظری را منعکس می‌کنند که می‌پندارند درست است و آن، به احتمال قوی، همان است که باور اکثریت جامعه است.

از آنجا که مفهوم برنامه‌ریزی زبان برای اکثر پاسخ‌دهندگان ناآشنا بود، تلاش شد که پرسش‌ها به زبانی ساده و غیرتخصصی باشد و برای ملموس شدن هر بُعد از برنامه‌ریزی زبان از مصادیق بارز و مشهورتر آن مثل واژه‌سازی و واژه‌گزینی استفاده شود. به طور کلی پرسش‌نامه عاری از مفاهیم نظری دشوار مربوط به برنامه‌ریزی زبان تهیه شده است.

۳-۳ روش کار

برای مطالعه و مقایسه سیاست آشکار و پنهان زبان فارسی، از میان فنون گوناگون تحلیل اجتماعی، شیوه مستقیم توزیع پرسش‌نامه کتبی اختیار شد. پرسش‌نامه نگرش‌سنجی زبانی (شامل ۱۲۸ پرسش) بین ۲۰۰۰ نفر از ساکنان تهران در گروه‌های دانش‌آموز (سال سوم دبیرستان)، دانشجو، دانشگاهی، و فرهنگستانی به روش تصادفی توزیع شد. حجم نمونه آماری این پژوهش براساس جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan 1970, p. 607) و با استناد به مدارک آماری آموزش و پرورش (دفتر طرح و برنامه ۱۳۸۳) و آموزش عالی (غیاثی ۱۳۸۲) تعیین شد.

عده کل دانش‌آموزان ایران، در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲، ۱۶,۵۴۳,۴۴۰ نفر بوده که، از این میان، ۱,۱۰۶,۶۱۷ نفر دانش‌آموز سال سوم دبیرستان بوده‌اند. در همین سال تحصیلی، عده دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در شهر تهران ۱۲۸,۴۰۵ نفر (۵۹,۵۸۱ پسر و ۶۸,۸۲۴ دختر) بوده که، بر اساس جدول کرجسی و مورگان، ۳۸۴ نفر حجم نمونه این گروه تعیین شده است.

عده دانشجویان استان تهران، در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱، ۱۷۵,۹۶۵ نفر بوده که، از این میان، ۱۲۰,۳۰۸ نفر دانشجوی دوره‌های کارشناسی و دکتری حرفه‌ای بوده‌اند که باز حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شده است.

عده کادر آموزشی دانشگاه‌ها در تهران در همان سال تحصیلی ۱۷,۶۶۴ نفر بوده که حجم نمونه‌ای بالغ بر ۳۷۶ نفر را می‌طلبد.

عده استادان و پژوهشگران فرهنگستان حدود ۳۰۰ نفر است که برخی از آنها، در همان گروه، کادر آموزشی دانشگاه‌ها نیز هستند. به همین دلیل این گروه را جامعه آماری مجزا از گروه دانشگاهیان در نظر نگرفتیم. از این گروه، حجم نمونه‌ای بالغ بر حدود ۶۰ نفر انتخاب شد. به این ترتیب، کل حجم نمونه بر ۱۱۴۰ نفر بالغ گردید.

حدود ۱۰۰۰ پرسش‌نامه دریافت شد که حدود ۲۰۰ فقره آنها مغشوش بود و به کار نیامد. به همین دلیل، به حجم نمونه ۸۲۰ نفر^۵ اکتفا شد. داده‌های ۸۲۰ پرسش‌نامه کامل و معتبر کدگذاری و برای پردازش و تحلیل وارد نرم‌افزار آماری SPSS شد. متغیر مستقل این پژوهش تحصیلات یا همان تعلق به گروه‌های دانش‌آموزی، دانشجویی، دانشگاهی و فرهنگستانی است. ابزار آزمونی این پژوهش جدول‌های تقاطعی و آنوا و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. متغیرهای وابسته اصلی و مورد توجه به شرح زیر تعیین شد: نگرش به زبان فارسی (در سطوح نگرشی احساس و آگاهی و در سطوح زبانی پیکره و شأن و فراگیری)؛ نگرش به برنامه‌ریزی زبان (در همان سطوح به اضافه سطح آمادگی برای عمل، ذیل عناوین اهداف و ایدئولوژی‌ها، انگیزه‌ها، مراحل، متولیان و مخاطبان برنامه‌ریزی زبان)؛ و مجموع آن دو یعنی هوشیاری زبانی. رابطه سه گروه دانش‌آموز و دانشجو و دانشگاهی با این نگرش‌ها مشخص‌کننده سیاست پنهان زبان فارسی، و رابطه فرهنگستانیان با آنها بیانگر سیاست آشکار زبان فارسی شمرده شد. در زیرشاخه ایدئولوژی‌های برنامه‌ریزی زبان، به بررسی مسائلی چون بیگانه‌ستیزی، حفظ زبان، کهنه‌گرایی (گرایش به استفاده از گونه‌های باستانی و قدیمی عناصر زبان به عنوان منبع زبانی)، و پیوستگی تاریخی توجه شد.

۵) شامل ۳۵۱ نفر دانش‌آموز، ۳۱۱ نفر دانشجو، ۱۱۰ نفر مدرس دانشگاه و ۴۸ نفر از اعضا و پژوهشگران فرهنگستان‌ها.

۴ بحث

۴-۱ تفاوت‌های معنی‌دار در گروه‌ها

نگرش به زبان فارسی

با توجه به درصدهای فراوانی درج شده در جدول ۱، دارندگان نگرش مثبت به زبان فارسی درکل جمعیت گروه‌های دانش‌آموز و دانشجو و دانشگاهی^۶ (۳۱ درصد) به میزان معنی‌داری کمتر از فرهنگستانیان^۷ (۴۳/۸ درصد) است.

نگرش به برنامه‌ریزی زبان

دارندگان نگرش مثبت به برنامه‌ریزی زبان فارسی در میان فرهنگستانیان (۵۰ درصد) به میزان معنی‌داری بیشتر از سایر گروه‌ها (۲۶ درصد) است.

هوشیاری زبانی

فقط ۱۶ درصد جمعیت سایر گروه‌ها در مقابل ۳۵/۴ درصد فرهنگستانیان دارای هوشیاری زبانی بالا هستند.

نگرش به زبان انگلیسی

به نظر می‌رسد از نظر نگرش به زبان انگلیسی بین سایر گروه‌ها و فرهنگستانیان اختلاف وجود دارد اما نه از جنبه نگرش مثبت بلکه از جنبه نگرش منفی به این زبان^۸. درصد دارندگان نگرش منفی به زبان انگلیسی در فرهنگستانیان ۲۷/۱ درصد و سایر گروه‌ها ۲۹/۱ درصد است.

چنان‌که در جدول مشاهده می‌شود بیشترین نگرش منفی به زبان انگلیسی در گروه دانش‌آموز است.

۶) از این پس، مجموع این سه گروه را با عنوان سایر گروه‌ها مشخص می‌سازیم.

۷) مراد از فرهنگستانیان، اعضای فرهنگستان‌ها، از جمله دانشگاهیان آنهاست.

۸) مراد از نگرش منفی به زبان انگلیسی در اینجا قایل نشدن شأن زبانی بالاتر برای زبان انگلیسی و به طور کلی کارآمدتر ندانستن زبان انگلیسی نسبت به زبان فارسی است.

جدول ۱. توزیع پاسخگویان درباره نگرش به زبان فارسی، برنامه ریزی زبان فارسی، زبان انگلیسی و هوشیاری زبانی و رابطه هویت صنفی

سطح معناداری (درصد)	فرهنگستانی (درصد)	مجموع ^۹ سه گروه (درصد)	استاد دانشگاه (درصد)	دانشجو (درصد)	دانش آموز (درصد)	
۰/۰۰۰	۴۳/۸	۳۱/۴۷	۴۱/۸	۳۷/۶	۲۲/۸	نگرش مثبت به زبان فارسی
	۲۱	۲۴۳	۴۶	۱۱۷	۸۰	
۰/۰۰۰	۵۰	۲۷/۰۷	۴۲/۷	۲۹/۳	۲۰/۲	نگرش مثبت به برنامه ریزی زبان فارسی
	۲۴	۲۰۹	۴۷	۹۱	۷۱	
۰/۰۰۰	۳۵/۴	۱۶/۴۵	۲۶/۴	۱۸/۶	۱۱/۴	هوشیاری زبانی بالا
	۱۷	۱۲۷	۲۹	۵۸	۴۰	
۰/۰۲۵	۲۷/۱	۲۹/۱۴	۱۷/۳	۲۴/۴	۳۷	نگرش منفی به زبان انگلیسی
	۱۳	۲۲۵	۱۹	۷۶	۱۳۰	

۴-۲ اهداف، انگیزه‌ها و ایدئولوژی‌های برنامه ریزی زبان

ارزیابی وضع زبان

۹۳ درصد فرهنگستانیان، در مقابل فقط ۲۸ درصد کل جمعیت، احتمال گذار از زبان فارسی به زبانی دیگر را منتفی می‌دانند. در عوض، ۲ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۱۱ درصد کل جمعیت، معتقدند که فارسی در وضع مطلوب است. ۵۸ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۴۹ درصد کل جمعیت، فارسی را در خطر می‌بینند.

نگرش به ورود عناصر زبانی غربی در زبان فارسی و عناصر عربی موجود در این زبان

۶۸ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۵۸ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، ورود واژه‌های انگلیسی به فارسی را دلیل خراب شدن وضع زبان فارسی می‌دانند. از طرف دیگر،

(۹) در این جدول و جدول شماره ۲، با توجه به جمعیت کل دانش‌آموزان و دانشجویان و دانشگاهیان (۷۷۲ نفر)، درصد کل افراد دارای نگرش مثبت به زبان فارسی و برنامه ریزی زبان و سایر متغیرهای وابسته مشخص شده است. در واقع، مراد از مجموع درصد کل دانش‌آموزان و دانشجویان و دانشگاهیان حائز مشخصه‌ای خاص است.

۸۷ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۶۰ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، با تبدیل انگلیسی به زبان علم در ایران مخالف‌اند. ۷۶ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۵۶ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، با استفاده از واژه‌های خارجی در مکالمات فارسی موافق نیستند. از طرف دیگر، ۸۶ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۶۲ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، معتقد به جلوگیری از اثرگذاری الگوهای دستوری زبان انگلیسی بر زبان فارسی‌اند. همچنین ۲۸ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۴۰ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، معتقدند که مردم ایران متمایل به استفاده از واژه‌های فارسی به جای واژه‌های خارجی وارداتی‌اند. ۸۱ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۴۲ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، آشنایی با زبان عربی را برای کسب دانش فارسی مفید می‌دانند. ضمناً فقط ۸ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۵۹ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، معتقد به عربی‌زدایی‌اند. ۹۴ درصد فرهنگستانیان در مقابل ۷۶ درصد متعلمان با وام‌گیری زیاده از حد مخالف‌اند.

کهنه‌گرایی

کهنه‌گرایی را می‌توان یکی از گرایش‌های سره‌گرایانه دانست. دارندگان این گرایش بر آن‌اند که به جای عناصر زبانی خارجی باید عناصر زبانی کهنه خودی از جمله گونه‌های قدیمی و باستانی را نشانند. ۶۰ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۲۹ درصد سایر گروه‌ها، چنین گرایشی دارند.

نقش‌های زبان فارسی

۹۱ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۸۳ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، فارسی را حافظ پیوند ایرانیان با تاریخشان می‌دانند. ۱۰۰ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۹۱ درصد کل جمعیت، زبان و ادب فارسی را میراثی فرهنگی می‌شمارند. ۹۱ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۷۹ درصد سایر گروه‌ها، فارسی را برای ایفای نقش زبان علم توانا می‌دانند.

آگاهی از برنامه‌ریزی فارسی در حال و گذشته

۶۳ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۱۸ درصد سایر گروه‌ها، خود را از برنامه‌ریزی زبان فارسی در گذشته باخبر اعلام می‌کنند. ضمناً ۸۷ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۴۷ درصد سایر گروه‌ها، از فعالیت‌های برنامه‌ریزی زبان فارسی در حال حاضر اظهار اطلاع می‌کنند.

موافقت با برنامه‌ریزی‌های کنونی زبان فارسی

۶۲ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۴۰ درصد سایر گروه‌ها، با برنامه‌ریزی‌های کنونی زبان فارسی موافق‌اند. از سوی دیگر، ۸۷ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۴۷ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، اعلام می‌دارند که در ایران کارهایی برای بهبود زبان فارسی انجام گرفته یا در حال انجام گرفتن است.

واژه‌سازی

۶۹ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۳۱ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، با واژه‌سازی‌های فرهنگستان موافق‌اند. ۹۰ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۶۶ درصد سایر گروه‌ها، واژه‌سازی در زبان فارسی را ضروری می‌دانند. ۸۱ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۴۵ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، فارسی را دچار کمبود در گنجینه لغوی می‌دانند. ۸۷ درصد فرهنگستانیان، در مقابل ۶۷ درصد جمعیت سایر گروه‌ها، با واژه‌سازی برای مفاهیم علمی موافق‌اند.

۴-۳ شباهت‌های گروه‌ها از نظر فراوانی انتخاب

ضرورت جلوگیری از ورود واژه‌های خارجی به فارسی

در میان همه مؤلفه‌ها، بیشترین توافق بین فرهنگستانیان و سایر گروه‌ها در ضروری دانستن جلوگیری از ورود واژه‌های خارجی به فارسی است (حدود ۵۲ درصد همه گروه‌ها این امر را ضروری می‌دانند).

۴-۴ موفقیت برنامه‌ریزی زبان فارسی در گذشته

حدود ۲۵ درصد از همه گروه‌ها معتقد به موفقیت برنامه‌ریزی زبان فارسی در گذشته‌اند.

در صفحات بعدی، جدول و نمودار درصد موافقت گروه‌های دانش‌آموزی، دانشجویی، دانشگاهی و فرهنگستانی با گزاره‌های مندرج در پرسش‌نامه را ملاحظه خواهید کرد.

جدول ۲. فراوانی توزیع پاسخگویان در هویت‌های صنفی مختلف براساس اعتقاد به برخی گزاره‌ها (با موضوعات ارزیابی وضع زبان، زبان علم و ایدئولوژی‌های زبانی) و سطح معناداری آزمون آماری هر رابطه

گزاره	دانش‌آموز (درصد)	دانشجو (درصد)	دانشگاهی (درصد)	مجموع سه‌گروه (درصد)	فرهنگستانی (درصد)	سطح معناداری (درصد)	اختلاف حداکثر و حداقل (درصد)
فارسی در خطر است	۴۳/۱	۵۲/۸	۵۰	۴۷/۹۲	۵۷/۴	۰/۰۰۱	۱۴/۳
احتمال به کار رفتن زبان دیگری به جای زبان فارسی	۳۸/۷	۲۴/۸	۷/۴	۲۸/۶۳	۶/۵	۰/۰۰۱	۳۲/۲
فارسی در وضعیت خوبی است و نیاز به محافظت ندارد	۱۸/۵	۵/۲	۷/۴	۱۲/۳۳	۲/۱	۰/۰۰۰	۱۶/۴
زبان فارسی نمی‌تواند زبان علم باشد	۲۳/۶	۲۰/۶	۱۵/۸	۲۱/۲۴	۸/۷	۰/۰۰۰	۱۴/۹
انگلیسی به عنوان زبان علم در دانشگاه‌های ما	۳۹/۷	۳۳/۸	۳۹/۳	۳۹/۷	۱۲/۷	۰/۰۰۰	۲۷
جلوگیری از ورود واژه‌های خارجی به زبان فارسی	۲۶/۶	۳۰/۵	۲۵/۷	۲۹/۹۱	۳۴/۸	۰/۰۰۰	۹/۱
عدم تمایل به به کار بردن واژه‌های خارجی در حرف زدن فارسی	۴۷/۵	۶۲/۴	۶۷/۶	۵۶/۳۴	۷۶/۶	۰/۰۰۰	۲۹/۱
مخالفت با تأثیرگذاری دستور زبان انگلیسی بر فارسی	۵۱/۳	۷۳/۱	۶۲/۵	۶۱/۶۵	۸۵/۵	۰/۰۰۰	۳۴/۲
موافقت با تمایل ایرانیان در به کار بردن واژه‌های فارسی به جای واژه‌های خارجی	۴۳/۴	۳۵/۱	۴۳/۵	۴۰/۰۲	۲۷/۷	۰/۰۰۰	۱۵/۸

اختلاف حداکثر و حداقل (درصد)	سطح معناداری (درصد)	فرهنگستانی (درصد)	مجموع سه گروه (درصد)	دانشگاهی (درصد)	دانشجو (درصد)	دانش آموز (درصد)	گزاره
۵۶/۹	۰/۰۰۰	۸۱/۳	۴۱/۸۳	۶۱/۴	۴۳/۱	۳۴/۴	مفید بودن دانش عربی در دانش فارسی
۶۳/۵	۰/۰۰۰	۸/۴	۵۸/۶۷	۳۶/۳	۵۱/۸	۷۱/۹	خارج کردن لغات عربی از فارسی
۲۴/۷	۰/۰۰۰	۹۳/۸	۷۶/۴۲	۸۶/۴	۸۱/۰	۶۹/۱	مخالف با قرض‌گیری زیاده از حد
۲۰/۳	۰/۰۰۰	۹۱/۵	۸۳/۴	۹۶/۳	۸۷/۳	۷۶	حفظ پیوند با تاریخ
۱۷/۵	۰/۰۰۰	۱۰۰	۹۰/۸	۹۶/۴	۹۸	۸۲/۵	فارسی به عنوان میراث فرهنگی
۳۲/۶	۰/۰۰۰	۵۹/۵	۲۸/۸۸	۴۰/۷	۲۶/۹	۲۶/۹	کهنه‌گرایی
۴۸/۹	۰/۰۰۰	۶۳	۱۷/۷۴	۳۰/۵	۱۷/۳	۱۴/۱	آگاهی از کارهای انجام شده برای حفظ و گسترش زبان فارسی
۹/۶	۰/۰۰۱	۲۵/۵	۲۳/۸۳	۲۴/۶	۱۸/۷	۲۸/۳	موفقیت کارهای برنامه‌ریزی قبل
۲۸	۰/۰۰۰	۶۱/۷	۴۰/۱۵	۵۰/۴	۳۳/۷	۴۲/۷	موافقت با فعالیت‌های کنونی برنامه‌ریزی زبان فارسی
۳۱/۶	۰/۰۰۰	۸۹/۶	۶۵/۵۴	۸۵/۰	۶۷/۳	۵۸	ضرورت واژه‌سازی در فارسی
۲۱/۱	۰/۰۰۰	۱۲/۸	۳۳/۰۳	۱۹/۶	۳۶/۶	۳۳/۹	مخالفت با واژه‌سازی برای مفاهیم علمی
۳۹/۱	۰/۰۰۰	۸۰/۸	۴۴/۵۵	۶۰/۷	۴۲/۳	۴۱/۷	کمبود لغت در فارسی
۳۹/۵	۰/۰۰۰	۶۸/۷	۳۱/۲۱	۴۶/۷	۲۹/۲	۲۷/۸	واژه‌سازی فرهنگستان
۵۰/۱	۰/۰۰۰	۸۷/۳	۴۷/۴	۷۲/۹	۵۰	۳۷/۲	در ایران کارهایی برای بهبود زبان فارسی انجام شده است و می‌شود.

۵ نتایج: اختلاف و اتفاق نظر در سیاست‌های آشکار و پنهان زبان فارسی

۵-۱ اختلاف نظر

سیاست آشکار زبان فارسی (منعکس در نگرش‌های زبانی فرهنگستانیان) با سیاست پنهان زبان فارسی (منعکس در نگرش‌های زبانی دانش‌آموزان، دانشجویان و دانشگاهیان) به شرح زیر دارای تفاوت‌هایی معنی‌دار است:

– نگرش فرهنگستانیان به زبان فارسی و برنامه‌ریزی آن مثبت‌تر از سایر گروه‌هاست. به همین دلیل این گروه از هوشیاری زبانی بالاتری برخوردار است.
– فرهنگستانیان بیش از سایر گروه‌ها وضع فارسی را نامطلوب و آن را در خطر می‌یابند. با این حال، درصد کمتری از افراد این گروه احتمال می‌دهند که زبان دیگری در کشور ما جانشین زبان فارسی شود.

– غرب‌ستیزی در فرهنگستانیان بیش از سایر گروه‌هاست. در عوض، درصد کمتری از آنها، در مقایسه با سایر گروه‌ها، معتقد به بیگانه‌ستیزی مردم ایران‌اند.
– عربی‌ستیزی در فرهنگستانیان کمتر از سایر گروه‌هاست.

– فرهنگستانیان بیش از سایر گروه‌ها نقش‌های تاریخی نمادین برای زبان فارسی قایل‌اند ضمن آنکه، در مقایسه با سایر گروه‌ها، فارسی را برای ایفای نقش زبان علم توان‌تر می‌دانند.

– فرهنگستانیان گونه‌های قدیمی‌تر زبان فارسی (فارسی میانه، پهلوی و باستان) را از زمره منابع معتبر زبانی می‌شمارند و، از این نظر، تفاوت معنی‌داری با سایر گروه‌ها دارند.

– فرهنگستانیان، در مقایسه با سایر گروه‌ها، خود را آگاه‌تر از برنامه‌ریزی‌های زبان فارسی در گذشته و حال نشان می‌دهند و با برنامه‌ریزی‌های کنونی موافقت بیشتری دارند.
– فرهنگستانیان بیش از سایر گروه‌ها زبان فارسی را دچار کمبود در گنجینه واژگانی می‌دانند و بر ضرورت واژه‌سازی در زبان فارسی تأکید دارند. آنان با واژه‌سازی‌های فرهنگستان موافق‌اند و ضرورت واژه‌سازی برای مفاهیم علمی را تأیید می‌کنند.
– فرهنگستانیان بیش از سایر گروه‌ها با فعالیت‌های برنامه‌ریزی زبان در گذشته موافق‌اند و ادامه این فعالیت‌ها را تأیید می‌کنند.

– عموماً بیشترین اختلاف معنی‌دار بین دو گروه فرهنگستانیان و دانش‌آموزان وجود دارد.

۵-۲ اتفاق نظر

سیاست‌های آشکار و پنهان زبان فارسی در حوزه‌های زیر هماهنگ است:

- فرهنگستانیان و سایر گروه‌ها به یک میزان به ضرورت جلوگیری از ورود واژه‌های خارجی به زبان فارسی معتقدند. میزان تأیید موفقیت برنامه‌ریزی‌های گذشته برای زبان فارسی در میان همه گروه‌ها یکسان است.
- همه گروه‌ها با وجود سازمانی برای تولید برنامه‌ریزی زبان فارسی موافق‌اند.
- زبان فارسی به یک اندازه نماد هویت ملی در نظر همه گروه‌هاست.

۶ توصیه‌ها

با توجه به اینکه اکثر محققان بر آن اند که شقاق بین سیاست آشکار و پنهان زبان منجر به شکست برنامه‌ریزی‌های رسمی کشور می‌گردد، سزاوار است، بر اساس نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های دیگر در این حوزه، تفاوت‌های بین دو سیاست آشکار و پنهان زبان فارسی محسوساً کاهش یابد. چه بسا نتایج این اختلاف نظرها، در درازمدت، آثار سوء در وضع زبان فارسی بر جای گذارد.

منابع

- افخمی، علی و نگار داوری اردکانی (۱۳۸۴ الف)، «برنامه‌ریزی زبان و نگرش‌های زبانی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۵۶، شماره ۱۷۳، ص ۱-۲۵.
- _____ (۱۳۸۴ ب)، «معرفی اجمالی ابعاد نظری و علمی برنامه‌ریزی زبان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۵۶، شماره ۱۷۵، ص ۱-۱۶.
- دفتر طرح و برنامه (۱۳۸۳)، آمار آموزش و پرورش (سال تحصیلی ۱۳۸۲-۸۳)، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۴)، برنامه‌ریزی زبان و هوشیاری زبانی: با نگاهی به ایران، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، تهران.
- غیائی، مینو (۱۳۸۲)، آمار آموزش عالی ایران (سال تحصیلی ۱۳۸۱-۸۲)، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران.
- بولمن، ای. و دیگران، آمار دردندانی پزشکی، ترجمه کاظم مهرداد و سیامک نوربلورچی، انتشارات مرکز تحقیقات علوم دندانی پزشکی دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۸۴.

AGER, Dennis (2001), *Motivation in Language Planning and Language Policy*, Multilingual Matters, Clevedon.

COOPER, Robert L. (1989), *Language Planning and Social Change*, Cambridge University Press,

Cambridge.

KREJCIĆ, R. V. and MORQAN D. W. (1970), "Determining Sample Size for Research Activities", *Educational and Psychological Measurement*, 30, pp.607-610.

OAKES, Leigh (2001), *Language and National Identity: Comparing France and Sweden*, John Benjamins, Amsterdam.

PERRY, R. John (1985), "Language Reform in Turkey and Iran", *International Journal of Middle East Studies*, vol. 17, pp. 295-311.

SCHIFFMAN, Harold (1996), *Linguistic Culture and Language Policy*, Routledge, London, New York.

THOMAS, George (1991), *Linguistic Purism*, Longman, New York.

پیوست

فهرست دقیق مؤلفه‌های نگرش زبانی

نگرش به زبان فارسی شامل مؤلفه‌های آگاهی از پیکره زبان فارسی، احساس نسبت به پیکره زبان فارسی، آگاهی از شأن زبان فارسی، احساس نسبت به شأن زبان فارسی، نگرش کلی نسبت به زبان فارسی، آگاهی از آموزش زبان فارسی و احساس نسبت به آن است. آگاهی از پیکره زبان فارسی خود شامل آگاهی از مسائل واژه و واژه‌سازی، فرهنگ‌نگاری، دستور و دستورنویسی، ادبیات فارسی و خط و استانداردسازی می‌شود. به طور جزئی‌تر، وقتی آگاهی شخص از پیکره زبان فارسی بالا تشخیص داده شده است که به پرسش‌های ۳۵، ۹۸، ۳۱، ۲۰، ۲۸، ۶۳، ۲۵، ۴۰، ۴۲ و ۲۶ پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم داده باشد و به پرسش‌های ۳۲ و ۶۴ پاسخ کاملاً مخالفم داده باشد یعنی

– باید بداند که زبان فارسی به واژه‌سازی نیاز دارد و در دستگاه اصطلاحاتی هر رشته‌ای به اندازه کافی واژه نداریم؛

– معتقد باشد که، علاوه بر واژه‌سازی در رشته‌های متعدد، باید آنها را یکدست هم کرد و فارسی برای بیان مفاهیم دچار کمبود لغت است؛

– در زمینه فرهنگ‌نگاری نیز قایل به وجود کمبود باشد؛

– با دستور زبان فارسی آشنا باشد و بداند که دستور زبان‌های فارسی معمولاً توصیفی نیستند و مترجمان، در ترجمه از انگلیسی به فارسی، گاهی الگوهای دستوری زبان انگلیسی را وارد زبان فارسی می‌کنند.

– با ادبیات معاصر و با ادبیات کلاسیک فارسی آشنا باشد.

– در حوزه خط و شیوه املا آگاهی داشته باشد که جدا نویسی و سرهم نویسی برای خط فارسی مشکل آفرین شده است.

وقتی شخص نسبت به پیکره زبان فارسی دارای احساس مثبت تشخیص داده شده است که به پرسش‌های ۱۱۰، ۳۴، ۲۳، ۲۴، ۲۹ و ۸۵ پاسخ موافقم یا کاملاً موافقم و به پرسش‌های ۱۲۵ و ۲۲ پاسخ مخالفم و کاملاً مخالفم داده باشد. به طور دقیق‌تر، وقتی شخصی احساس مثبت نسبت به پیکره زبان فارسی دارد که دوست داشته باشد به جای واژه‌های خارجی واژه فارسی به کار برود؛ قرض‌گیری زیاده از حد از زبان‌های دیگر برای زبان فارسی را پسندیده نشمارد؛ شعر سنتی ایران را تحسین کند؛ شعر نو را دوست داشته باشد؛ آشنایی با زبان عربی را برای دانش در زبان فارسی مفید بشمارد؛ خط فارسی را زیبا بداند؛ فارسی را به سبب ورود واژه‌های انگلیسی خراب شده نداند؛ به شعر فارسی علاقه داشته باشد و آن را بفهمد.

وقتی شخص از شأن زبان فارسی آگاه است که بداند فارسی یگانه‌زبانی نیست که مردم ایران به کار می‌برند. همچنین زمانی نسبت به شأن فارسی احساس مثبت دارد که معتقد باشد، اگر فارسی را خوب بداند، شغل بهتری پیدا خواهد کرد؛ فارسی ابزار ارتباطی مطلوبی است و کارایی آن در جامعه امروزی کمتر از انگلیسی نیست؛ از تصور اینکه فرزندش با فارسی آشنا نباشد نگران گردد؛ قطع رابطه با ادبیات فارسی برایش ممکن نباشد؛ برای کسی که فارسی می‌داند ارزش قایل باشد؛ فارسی را بخشی از میراث فرهنگی بداند؛ فارسی را به عنوان عاملی برای پیوند با گذشته دوست داشته باشد؛ یادگرفتن انگلیسی را مهم‌تر از فارسی نداند؛ احساس کند که همه مردم ایران باید بتوانند فارسی حرف بزنند؛ برای فارسی در جامعه ایرانی شأن و جایگاه والایی قایل باشد؛ فارسی را دوست داشته باشد و آن را زیبا و خوش‌آهنگ و جذاب و زبانی روشن و دقیق و غنی بداند؛ به زیبایی خط فارسی اعتقاد داشته باشد؛ و بداند که زبان فارسی مانند هر زبان دیگری، در طول تاریخ، دچار تغییر و تحول شده است.

وقتی شخص از کیفیت آموزش و یادگیری زبان فارسی آگاه است که بداند فارسی با روش‌های جدید تدریس نمی‌شود.

وقتی شخص احساس مثبتی نسبت به آموزش و یادگیری زبان فارسی دارد که

یادگرفتن خط فارسی را دشوار نداند.

مجموعه اینها باعث می شود که بگوییم شخص نگرش مثبتی به زبان فارسی دارد.

اما نگرش نسبت به برنامه ریزی زبان فارسی شامل مؤلفه های آگاهی از این برنامه ریزی فارسی، دارا بودن احساس نسبت به آن، و آمادگی برای عمل در آن است.

وقتی شخص از برنامه ریزی زبان فارسی آگاه است که از کارهایی که برای حفظ و گسترش زبان فارسی انجام گرفته مطلع باشد و دخالت آگاهانه در زبان را مجاز بداند و بداند که در ایران کارهایی برای بهبود زبان فارسی شده است و می شود.

احساس نسبت به برنامه ریزی زبان فارسی مؤلفه های به شرح زیر را شامل می شود: احساس نسبت به برنامه ریزی پیکره در سطوح واژگان و دستورخط و دستور، نسبت به برنامه ریزی شأن در سطح گویش ها و زبان های رایج در ایران و تأیید موقعیت زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و زبان علم، نسبت به برنامه ریزی آموزش در کشور و در خارج از ایران (کشورهای فارسی زبان و غیر فارسی زبان)، نسبت به اساس برنامه ریزی، و سرانجام نسبت به موفقیت های برنامه ریزی های پیشین و ایدئولوژی های برنامه ریزی زبان.

وقتی شخص احساس مثبتی نسبت به برنامه ریزی زبان فارسی دارد که

– قایل به واژه سازی برای مفاهیم جدید باشد؛

– با وام گیری متعادل موافق اما با وام گیری زیاده از حد مخالف باشد؛

– به استاندارد سازی واژه ها معتقد باشد؛

– گرایش به عربی زدایی را روا نشمارد؛

– با دخالت آگاهانه در زبان موافق باشد؛

– معادل سازی برای واژه های بیگانه را تلاشی بیهوده نداند.

گزاره های مندرج در پرسش نامه به تفکیک تعلق به مؤلفه های متغیرهای وابسته، با همان شماره آنها در پرسش نامه، در فهرست زیر آمده است.

آگاهی از پیکره زبان فارسی

در سطح دستور و دستورنویسی

۲. من با دستور زبان فارسی آشنا هستم.

۲۸. دستور زبان‌هایی که برای فارسی نوشته شده است به خوبی واقعیت زبان فارسی را توصیف می‌کند.

۶۳. مترجمان در ترجمه از انگلیسی به فارسی گاهی الگوهای دستوری زبان انگلیسی را وارد زبان فارسی می‌کنند.

در سطح واژگان

۳۲. در هر رشته‌ای که فارسی را به کار می‌بریم واژه به اندازه کافی داریم.

۶۴. زبان فارسی نیازی به واژه‌سازی ندارد.

در سطح ضرورت استانداردسازی واژه‌ها

۳۵. علاوه بر واژه‌سازی در رشته‌های متعدّد، باید واژه‌ها را یکدست هم کرد.

در سطح کمبود واژگان در فارسی

۹۸. فارسی برای بیان مفاهیم گوناگون دچار کمبود لغت است.

در سطح فرهنگ‌نگاری

۳۱. فارسی به اندازه کافی فرهنگ‌های لغت کارآمد ندارد.

در سطح ادبیات فارسی

۲۱. من با ادبیات معاصر فارسی آشنا هستم.

۲۵. با ادبیات قدیم فارسی آشنا هستم.

در سطح خط و استانداردسازی املا

۴۰. وجود چند حرف برای یک صدا در خط فارسی را باید اصلاح کرد.

۴۲. جدانویسی و سرهم‌نویسی امروز برای خط فارسی مشکل آفریده است.

احساس نسبت به پیکره زبان فارسی

در سطح واژگان

۱۱۰. هر ایرانی دوست دارد، به جای واژه‌های خارجی، واژه فارسی به کار ببرد.

در سطح قرض‌گیری واژگانی

۱۲۵. چون واژه‌های انگلیسی وارد فارسی شده است، فارسی بد شده است.

در سطح قرض‌گیری متعادل

۳۴. قرض‌گیری زیاده از حد از زبان‌های دیگر برای زبان فارسی خوب نیست.

در سطح ادبیات فارسی

۲۲. من به شعر فارسی علاقه ندارم چون آن را نمی‌فهمم.

۲۳. شعر سنتی ایران مثل شعر حافظ، سعدی و فردوسی را تحسین می‌کنم.

۲۴. شعر نو را دوست دارم.

۸۱. من به ادبیات فارسی علاقه دارم.

عربی در فارسی

۲۹. دانستن عربی به دانش فارسی ما کمک می‌کند.

در سطح خط

۸۵. خط فارسی بسیار زیباست.

آگاهی از شأن زبان فارسی

شأن رسمی

۳۰. فارسی یگانه زبانی است که مردم ایران به کار می‌برند.

احساس نسبت به شأن زبان فارسی شأن ابزاری

۴۴. اگر من فارسی را خوب بدانم، شغل بهتری پیدا خواهم کرد.

۸۸. فارسی ابزار ارتباطی مطلوبی است.

۱۲۲. کارآئی زبان انگلیسی برای جامعه امروزی از زبان فارسی بیشتر است.

شأن عاطفی

۸۹. می‌توانم تصور کنم که فرزند من فارسی بلد نباشد و این مسئله برایم نگران‌کننده

نیست.

۹۰. قطع ارتباط با ادبیات فارسی برای من ممکن نیست.

۹۱. برای کسی که فارسی می‌داند ارزش قایلیم.
۹۲. فارسی بخشی از میراث فرهنگی ایرانی است.
۹۳. فارسی را دوست دارم چون مرا با گذشته‌ام پیوند می‌دهد.
۱۰۸. برای من هیچ زبان دیگری نمی‌تواند جای فارسی را بگیرد.
۱۲۱. امروز یاد گرفتن انگلیسی مهم‌تر از فارسی است.

شان رسمی

۱۰۰. همه مردم ایران باید بتوانند به زبان فارسی تکلم کنند.

گویش‌ها

۱۱۲. اگر یک ایرانی به گویش محلی خود صحبت کند، ممکن است مورد تمسخر قرار گیرد.
۱۱۱. به طور کلی، فارسی در جامعه ایرانی شان و جایگاه والایی دارد.

نگرش کلی به زبان فارسی

در سطح احساس

۸۰. فارسی را دوست دارم.
۸۲. فارسی زبان زیبایی است.
۸۳. فارسی زبان خوش‌آهنگ و جذابی است.
۸۴. فارسی روشن، دقیق و غنی است.
۲۷. زبان فارسی، در طول تاریخ، هیچ تغییر نکرده است.

آگاهی از آموزش زبان فارسی

۴۸. به طور کلی، فارسی با روش‌های جدید تدریس می‌شود.

احساس نسبت به آموزش زبان فارسی

خط

۸۶. یاد گرفتن خط فارسی دشوار است.

آگاهی از برنامه‌ریزی زبان

۶۵. من از کارهایی که برای حفظ و گسترش زبان فارسی انجام شده است مطلعم.
۷۷. ما نباید اجازه دهیم زبان فارسی تغییر کند.
۶۷. در ایران کارهایی برای بهبود زبان فارسی شده است و می‌شود.

احساس نسبت به برنامه‌ریزی زبان

در سطح پیکره

واژگان

۳۳. برای مفاهیم جدید می‌توان همان واژه‌های خارجی را به کار برد.
۳۶. باید لغات عربی را از فارسی بیرون کرد.
۷۶. تلاشی بیهوده است که بخواهیم برای واژه‌های علمی معادل فارسی بسازیم.

املا

۴۳. املاهای فارسی را، لاقلاً برای استفاده در رایانه، باید استاندارد کرد.

دستور

۹۷. باید از اثرگذاری دستور زبان انگلیسی بر فارسی جلوگیری کرد.

در سطح شأن

گویش‌ها

۴۵. گویش‌های ایرانی باید حفظ شود.
۱۱۳. ایرانیان نباید در محل‌های عمومی به گویش محلی خود صحبت کنند.

احساس نسبت به برنامه‌ریزی شأن

زبان‌های رایج در ایران

۴۶. حفظ زبان‌های دیگر رایج در ایران وظیفه ماست.

زبان رسمی

۴۷. تقویت زبان فارسی را مهم‌تر از رسیدگی به زبان‌های دیگر و گویش‌های رایج در ایران می‌دانم.

فارسی به عنوان زبان علم

۱۰۹. فارسی نمی‌تواند زبان علم باشد.

احساس نسبت به برنامه‌ریزی آموزش به طور کلی

۵۱. باید آموزش زبان فارسی را در ایران بهبود بخشید.

خارج از ایران

کشورهای فارسی‌زبان

۴۹. خوب است آموزش زبان فارسی در کشورهای فارسی‌زبان با ایران هماهنگ شود.

غیر فارسی‌زبان

۵۰. باید آموزش زبان فارسی را در دیگر کشورها ترویج کرد.

موافقت با برنامه‌ریزی به طور کلی

۳۷. تغییر زبان امری طبیعی است و ما حق نداریم عمداً آن را تغییر دهیم.

۳۸. مجبوریم، برای رسیدن به برخی اهداف، در زبان فارسی تغییراتی ایجاد کنیم.

۳۹. با ایجاد برخی تغییرات در زبان فارسی آن را کارآمدتر می‌کنیم.

۶۶. با کارهایی که اکنون برای حفظ و گسترش زبان فارسی انجام می‌گیرد موافقم.

موفقیت برنامه‌ریزی‌های قبلی

۱۱۵. فعالیت‌های انجام شده برای بهبود وضع فارسی موفق بوده است.

ایدئولوژی‌ها و اهداف برنامه‌ریزی زبان

بیگانه‌ستیزی

- ۱۱۰. هر ایرانی دوست دارد، به جای واژه‌های خارجی، واژه‌های فارسی به کار ببرد.
- ۱۲۵. چون واژه‌های انگلیسی وارد زبان فارسی شده است این زبان خراب شده است.
- ۹۴. باید از ورود واژه‌های خارجی به زبان فارسی جلوگیری کرد.
- ۹۵. دوست ندارم، در خلال فارسی حرف زدن، واژه‌های خارجی به کار ببرم.

حفظ زبان

- ۷۷. نباید اجازه دهیم زبان فارسی تغییری بکند.

مخالف با برنامه‌ریزی زبان

- ۷۹. زبان را باید به حال خود گذاشت.
- ۱۰۱. حفظ زبان فارسی برای من بسیار مهم نیست.
- ۱۰۴. فارسی در خطر است.

کهنه‌گرایی

- ۹۶. باید از صورت‌های قدیمی زبان فارسی مثل زبان پهلوی وارد فارسی امروز کرد.

پیوستگی تاریخی

- ۴۱. اگر چند حرف برای یک صدا را در خط فارسی اصلاح کنیم، بچه‌های ما نمی‌توانند متون گذشته را بخوانند.
- ۸۹. می‌توانم تصور کنم که فرزندم فارسی بلد نباشد، و این مسئله برایم نگران‌کننده نیست.
- ۹۲. فارسی بخشی از میراث فرهنگی است.
- ۹۳. فارسی را دوست دارم چون مرا با گذشته‌ام پیوند می‌دهد.

آمادگی برای عمل در برنامه‌ریزی زبان فارسی

در سطح پیکره

- ۶۹. مایلیم برای زبان فارسی واژه بسازم.

به طور کلی

- ۷۰. مایلم در توسعه زبان فارسی شرکت کنم.
- ۷۱. نمی‌توانم کاری برای بهبود زبان فارسی انجام دهم.
- ۷۲. اگر سازمانی از مردمی که نگران وضع زبان فارسی هستند کمک بخواهد، من هم حاضریم.
- ۷۵. برای حفظ و گسترش زبان فارسی پیشنهادی دارم.

هوشیاری زبانی ایرانیان

- ۱۰۵. ایرانیان به زبانشان چندان توجهی ندارند.
- رابطه هوشیاری زبانی با برنامه‌ریزی زبان فارسی
- ۱۱۴. اگر بخواهیم تغییری در زبان ایجاد کنیم، باید نظر مردم را هم در آن دخالت دهیم.

بی‌تفاوتی نسبت به زبان فارسی

- ۱۰۱. حفظ زبان فارسی برای من چندان مهم نیست.
 - ۱۰۲. اینکه زبان فارسی تقویت شود یا نشود به من مربوط نیست.
 - ۱۰۳. به وضع زبان فارسی زیاد فکر نمی‌کنم.
- یأس و ناامیدی از بهبود وضع زبان فارسی
- ۱۰۶. احتمال دارد روزی در ایران زبان دیگری به جای فارسی به کار رود.
 - ۱۱۶. فارسی خراب شده است و دیگر قابل اصلاح نیست.

نگرش نسبت به زبان انگلیسی

احساس شأن

- ۱۲۰. انگلیسی زبانی است که به عنوان ابزاری ارتباطی قادر است نیازهای جامعه امروز را برآورد.
- ۱۲۷. انگلیسی زبان زیبایی است.

آموزش

۱۱۸. یادگرفتن انگلیسی دشوار است.
۱۱۹. دانستن انگلیسی دانش عمومی را افزایش می دهد.
۱۲۳. دانستن هر زبانی مخصوصاً انگلیسی به دانش فارسی ما کمک می کند.
۱۲۴. دانستن انگلیسی هویت ایرانی افراد را به خطر می اندازد.

